



فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی، سال ۴/شماره ۵/ پاییز ۱۳۹۲، ص ۸۷ الی ۹۵

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت اجتماعی

(مطالعه موردی، منطقه مشتاق شهر کرمان)

مسعود مجرد کاهانی^۱، زهره نژاد اکبری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۱۰

چکیده

سرمایه اجتماعی برای پلیس به عنوان ظرفیت و قابلیت مشارکت مردم در توسعه نظم و امنیت عمومی از سال‌ها پیش تا کنون، توجه نظریه پردازان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. هدف پژوهش حاضر بررسی میزان سرمایه اجتماعی پلیس و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی است.

روش مطالعه به کار رفته در این تحقیق از نوع همبستگی- توصیفی است، که جامعه آماری آن تمام افراد بالای ۲۰ سال ساکن منطقه مشتاق شهر کرمان می‌باشند. حجم نمونه نیز با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۰ نفر انتخاب شده است. اطلاعات مورد نیاز از طریق ابزار پرسش نامه استاندارد، که قبلاً روایی و پایایی آن سنجیده شده و مورد تأیید قرار گرفته است، جمع آوری شده و با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی پلیس در این تحقیق با سه بعد آگاهی، اعتماد و مشارکت عملیاتی شد و تأثیر آن‌ها بر امنیت اجتماعی سنجیده شد.

نتایج حاصل از تحقیق حاکی از آن است که، بین سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت اجتماعی همبستگی معادل ۰/۰۷۰- وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهند که بین ابعاد سه‌گانه سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی رابطه منفی و غیر معنی داری وجود دارد. همچنین بین مشارکت با پلیس و اعتماد به پلیس و بین آگاهی از فعالیت‌های پلیس با اعتماد به پلیس و مشارکت با پلیس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی هر چه قدر مردم بیشتر با پلیس در ارتباط باشند و از فعالیت‌های پلیس آگاهی بیشتری داشته باشند، سطح مشارکت مردم و اعتماد مردم به پلیس بهبود می‌یابد. بنابراین افزایش قدرت سرمایه اجتماعی پلیس (قدرت نرم افزاری پلیس) می‌تواند سطح امنیت اجتماعی و قانون‌گرایی را در میان مردم افزایش دهد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی، آگاهی، مشارکت، اعتماد.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت بحران دانشگاه شهید باهنر کرمان، (نویسنده مسئول) - masoud.

kahani@yahoo.com- موبایل: ۰۹۱۵۵۱۷۰۳۶۶

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت بحران دانشگاه شهید باهنر کرمان - akbari_zohre67@yahoo.com

موبایل: ۰۹۱۳۹۹۶۶۲۲۴



۱- مقدمه و بیان مسئله:

دنیای معاصر دچار بحران‌ها و مسائل گوناگونی است اما به تعبیر آنتونی گیدنز یکی از ویژگی‌های بنیادین دنیای مدرن که به آن امکان بازسازی و رهایی از این بحران‌ها را می‌دهد، توانایی باز اندیشی است. از نظر وی یک منشأ این نا امنی و بحران، خطا در طراحی و عامل دیگر خطا در اجراست (ریتز، ۱۳۸۱: ۷۶۸). اندیشمندان اجتماعی یکی از راه‌های برون رفت از این دسته مشکلات را در افزایش مشارکت عمومی، افزایش اعتماد و بهبود سرمایه اجتماعی در جامعه می‌بینند.

سرمایه اجتماعی ویژگی و خاصیت ساختار اجتماعی است که برای افراد و سازمان‌های مالک آن، زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا موانع و مشکلات فراروی خود را با کاهش هزینه‌ی تعاملات بر طرف کنند. مفهوم سرمایه اجتماعی در حوزه سازمان‌ها، به ویژه در حوزه پلیس با مفهوم «پلیس جامعه محور» یا «پلیس مشارکت گرا» ارتباط تنگاتنگی پیدا کرده و در دوره‌های جدید، تئوری‌های پلیسی به مفهوم کانونی تبدیل شده است. در حوزه اندیشمندی و مطالعات جدید امنیتی با طرح مفهوم «امنیت اجتماعی شده» کسانی چون باری بوزان، اولی ویور و ... بر این پیش فرض اساسی تأکید کرده‌اند که توسعه نظم و امنیت عمومی پلیس در شرایط جدید در گرو میزان سرمایه اجتماعی پلیس است و پلیس به هر اندازه که بتواند با جلب اعتماد افراد جامعه و مشارکت دادن آن‌ها در حوزه تولید، حفظ و باز تولید زمینه‌ها و بسترهای نظم و امنیت عمومی سرمایه گذاری کند، به همان اندازه در مأموریت‌های خود موفق خواهد بود. با توجه به اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی برای پلیس، واقعیت‌های عینی نشان می‌دهد که با وجود اقدامات اساسی نیروی انتظامی در طی سال‌های اخیر برای توسعه رویکرد جامعه محوری در جامعه، هنوز میزان مشارکت شهروندان با پلیس در نقطه مطلوب قرار ندارد و حتی در مواردی برخی نشانه‌ها و قراین اجتماعی حاکی از ضعف سرمایه اجتماعی پلیس است. به نظر می‌رسد در شرایط اجتماعی حاضر، ضعف در سرمایه‌ی اجتماعی پلیس از یک سو در ضعف سرمایه‌ی اجتماعی جامعه قرار دارد و از سوی دیگر بر این اساس استوار است که پلیس آنچنان که بایسته است نتوانسته در جامعه نسبت به نقش و جایگاه خود شناخت و آگاهی لازم را برای افکار عمومی ارائه کند و در این بستر اقدام‌های اعتماد ساز به ویژه در حوزه رفتاری و ساختاری نهادینه نشده، در نتیجه این دو عنصر (آگاهی و اعتماد)، میزان اقبال به مشارکت با پلیس در شرایط قابل قبولی قرار ندارد (بیات، ۱۳۸۹: ۲)؛ لذا در این پژوهش، جهت گیری‌های اصلی بر این اساس مبتنی است که میزان سرمایه اجتماعی پلیس در ابعاد سه‌گانه آگاهی، اعتماد و مشارکت در چه وضعیتی قرار دارد و این شرایط در نگرش افراد به وضعیت امنیت





عمومی با شاخص میزان ارزیابی افراد از بروز جرایم، چه تأثیری می‌تواند داشته باشد. بر این مبنا ضعف سرمایه اجتماعی پلیس می‌تواند اختلالاتی را برای نظم و امنیت عمومی ایجاد کند. تحقیق حاضر، به بررسی رابطه بین سرمایه‌های اجتماعی پلیس و امنیت اجتماعی، مطالعه موردی در منطقه مشتاق شهر کرمان می‌پردازد و در انتها در جهت ارتقای هرچه بیشتر سطح سرمایه‌های اجتماعی پلیس و بالطبع آن بالا بردن سطح امنیت اجتماعی در جامعه به ارائه راهکار و راه حل‌های راهبردی پرداخته است.

۲- کلیات و مفاهیم تحقیق:

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی به ارتباطات بین شبکه اجتماعی افراد تلقی می‌شود (غفاری، ۱۳۸۵: ۸۷). بورديو سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع واقعی یا بالقوه می‌داند که در ارتباط با مالکیت شبکه با دوامی از ارتباطات کاملاً نهادینه شده یا کمتر نهادینه شده متصل شده‌اند (بورديو ۱۹۸۶: ۲۴۸). پاتنام نیز سرمایه اجتماعی را در ارتباط با شبکه‌های ارتباطی، هنجارها و اعتماد اجتماعی که هماهنگی و همکاری را برای منافع متقابل تسهیل می‌کنند، تعریف نموده است (پاتنام، ۱۹۹۵: ۶۷).

امنیت اجتماعی: امنیت یعنی رفع خطر و رفع خطر یعنی استفاده بهینه از فرصت. بنابراین باید چنین نتیجه گرفت که برقراری امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌هاست (خلیلی، ۱۳۸۱: ۴۲۸). بر این منوال، امنیت اجتماعی عبارت است از حفظ حریم زندگی از خطرات و تهدیدات و همچنین ارتقای سطح زندگی با اتخاذ تدابیری در جهت کسب فرصت‌های زندگی (چلبی ۱۳۷۵: ۷۰).

پیشینه تحقیق:

نجیبی ربیعی (۱۳۸۵) به بررسی عوامل موثر بر میزان احساس امنیت اجتماعی با تأکید بر سرمایه اجتماعی پرداخت. جامعه آماری این تحقیق که به روش پیمایشی انجام گرفته را کلیه سرپرستان خانوارهای تهرانی در بر می‌گیرد. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری در این تحقیق نشان دهنده آن است که سرمایه اجتماعی با احساس امنیت فکری، جمعی و مالی همبستگی معناداری دارد. همچنین اشکال مختلف سرمایه و طبقه اجتماعی با میزان احساس امنیت ارتباط دارد.

مبارکی (۱۳۸۴) به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم پرداخته است. این مطالعه از دو قسمت مجزا تشکیل شده است. قسمت اول در زمینه بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم در بین افراد عادی شهر تهران و مجرمان زندان‌های اوین، رجایی شهر و





ورامین است. قسمت دوم تحقیق مربوط به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم در سطح بین‌المللی می‌باشد. نتایج حاکی از تحقیق نشان می‌دهد، که هم در سطح کلان و هم در سطح خرد بین سرمایه اجتماعی و جرم رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

اکبری (۱۳۸۳) در تحقیق خود با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی- اجتماعی» پرسش‌هایی را بیشتر حول تأثیر اعتماد اجتماعی روستاییان و نیز گرایش، همکاری، نزاع و تعامل آن‌ها بر مشارکت سیاسی و اجتماعی‌شان مطرح کرد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین اعتماد اجتماعی، گرایش اجتماعی روستاییان به تعامل و مشارکت سیاسی- اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین نتیجه تحقیق نشان می‌دهد، که اعتماد به دولت و مسئولان بسیار کمتر از اعتمادی است که در بین افراد وجود دارد.

مبانی نظری تحقیق:

برای تبیین نظری سرمایه اجتماعی ابتدا ضرورت دارد ابعاد و زوایای مفهومی سرمایه اجتماعی از منظر نگرش‌های نظریه پردازان مورد بررسی قرار گیرد و سپس نظریه‌های سرمایه‌های اجتماعی به اجمال تشریح شوند و در نهایت نظریه‌هایی که به تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت می‌پردازند، بررسی شوند تا مدل نظری تحقیق و پیش فرض‌های آن استخراج و به آزمون گذارده شوند.

سرمایه اجتماعی به طور خلاصه شامل سرمایه و منبع حاصل از نهادها، روابط و هنجارهایی است که کنش اجتماعی را به لحاظ کمی و کیفی شکل می‌دهند (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۳). سرمایه اجتماعی شامل مجموعه‌ای از ارتباط‌های فعال در بین مردم است؛ ارتباط‌های فعالی همچون اعتماد، تفاهم متقابل و ارزش‌های مشترک و رفتارهایی که پیوند اعضای یک شبکه و اجتماع هم یارانه انسانی فراهم می‌سازد.

جیمز کلمن (۱۹۸۸) سرمایه اجتماعی را سرمایه و منابعی می‌داند که افراد و گروه‌ها می‌توانند آن را از طریق پیوند با یکدیگر و با توجه به میزان و شدت ارتباط خود به دست آورند. در تعریفی دیگر، سرمایه اجتماعی کلیت روابط اجتماعی در درون سازمان یا بدون وجود سازمان است که سطوحی از اعتماد باید فراهم باشد تا بافت اجتماعی سازمان را حفظ کند (بیات، ۱۳۸۹: ۱۰).

برخی از محققان نیز این عبارت را به عنوان منبعی تعریف می‌کنند که کنش‌گران به واسطه ارتباط با دیگر اعضا در گروه‌ها، شبکه‌ها یا سازمان‌ها به دست می‌آورند (اسمیت، ۲۰۰۵: ۴). اندیشمندان تعاریف مختلفی از سرمایه اجتماعی ارائه داده‌اند که در کل، با جمع‌بندی نظرات محققان در این زمینه، می‌توان این مفهوم را مجموعه‌ای از شبکه‌های





ارتباطی، هنجارها، ارزش‌ها و درکی دانست که به همکاری درون گروهی و بین گروهی را برای کسب منافع متقابل تسهیل می‌کند.

نظریه پردازان سرمایه اجتماعی

جیمز کلمن، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابعی می‌داند که در روابط خانواده و سازمان اجتماعی محلی وجود دارند و برای رشد اجتماعی و شناختی یک کودک یا نوجوان مفیدند. به عقیده وی این منابع برای افراد مختلف متفاوت اند و می‌توانند امتیاز مهمی را برای توسعه سرمایه انسانی کودکان و جوانان ایجاد کنند (کلمن، ۱۹۸۸؛ فیلد، ۱۳۸۶، ۴۴). وی معتقد است سرمایه اجتماعی عبارت از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی است که به عنوان منابعی در اختیار اعضای یک گروه یا یک سازمان قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست یابند. همچنین وی در نظریه خود، سرمایه انسانی را هدف غایی مطرح کرده و سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه انسانی قلمداد می‌کند و با استفاده از این مفهوم به دنبال شناخت نقش هنجارها و ارزش‌ها در داخل خانواده یا شبکه‌های اجتماعی است، تا از این طریق بتواند موجب تقویت سرمایه‌های انسانی شود.

رابرت پوتنام، یکی از نظریه‌پردازان حوزه سیاست، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از ویژگی‌های زندگی اجتماعی نظیر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد می‌داند که مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر، اهداف مشترک خود را تعقیب کنند و در نهایت، با اتحاد مبتنی بر اعتماد و تعاون به اهداف خود نائل شوند (پوتنام، ۱۹۹۶؛ فیلد، ۱۳۸۶، ۵۵). از نظر وی، اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه، منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است و همین عناصر می‌توانند راه را برای رسیدن به منافع متقابل هموار کنند و این منافع فراتر از سطح فردی هستند که در سطح ملی مطرح می‌شوند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۶۷).

پیر بوردیو، سرمایه اجتماعی را مجموعه منافع مادی و معنوی می‌داند که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده بر اساس آشنایی و شناخت کامل را در اختیار داشته باشند (بوردیو و واکوانت، ۱۹۹۲؛ ۳۱ فیلد، ۱۳۸۶). از نظر بوردیو این شکل از سرمایه حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه با دوامی از روابط نهادینه شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر عضویت در یک گروه است. از نظر وی این سرمایه در طول زمان و تلاش افراد جامعه بدست می‌آید و محصول نوعی سرمایه گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه به دنبال تثبیت یا باز تولید روابط





اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه مدت یا بلندمدت قابل استفاده‌اند. به اعتقاد وی، سرمایه می‌تواند در قالب سه شکل مختلف ظاهر شود: سرمایه اقتصادی که قابل تبدیل به پول است و در شکل حق مالکیت نهادینه می‌شود. سرمایه فرهنگی که تحت شرایط خاصی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و در شکل مدارج تحصیلی نهادینه می‌شود و بالاخره سرمایه اجتماعی که تحت شرایط خاصی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و شاید در شکل اصالت و شهرت نهادینه شود (شارع، ۱۳۸۳: ۱۵). بورديو در تعريف خود علاوه بر معرفي اشکال مختلف سرمایه، این نکته را نیز خاطر نشان می‌سازد که تسلط هر شکل ویژه‌ای از سرمایه در حوزه‌ای از یک جامعه در ارتباط مستقیم با خصوصیت آن حوزه اجتماعی قرار دارد (گرهاردز، ۱۹۹۵: ۸۵۹).

به طور کلی نظریه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد:

الف) در گروه اول به تبعیت از پوتنام، سرمایه اجتماعی، پدیده‌ای فرهنگی تعریف می‌شود که نشان دهنده میزان اهمیت و توجه اعضای جامعه نسبت به امور مدنی و بیانگر وجود هنجارهای اجتماعی مروج کنش جمعی و میزان اعتماد به نهادهای عمومی است. نتایج حاصل از تحقیق پوتنام در ایتالیا حاکی از این است که سرمایه اجتماعی در دراز مدت انباشته می‌شود و ویژگی‌های یک کالای جمعی و عمومی را دارد.

ب) در گروه دوم، سرمایه اجتماعی با تبعیت از دیدگاه پیر بورديو، نوعی سرمایه گذاری افراد و سازمان‌ها در شبکه‌های اجتماعی تلقی می‌شود. در این معنا، سرمایه اجتماعی کالایی است که می‌تواند به سرمایه فرهنگی تبدیل شود و بیانگر پایگاه اجتماعی فرد و سازمان باشد؛ لذا اندوخته سرمایه اجتماعی فرد و سازمان بیانگر قدرت او در جامعه است. گفتنی است کلمن نیز به همین سیاق بر مزایای سرمایه اجتماعی برای فرد یا سازمان تأکید دارد. از نظر کلمن، هنجار کنش متقابل بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد و سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق تسهیل کنش جمعی، آثار مثبت اقتصادی در سطح ملی داشته باشد (غفاری، ۱۳۸۲: ۳۴).

در جمع بندی نظری بر اساس نظریات کلمن، پوتنام و بورديو به ویژه در سطح ساختاری، می‌توان گفت در هر جامعه‌ای که سازمان‌ها (در این تحقیق پلیس) بتواند با تبیین جایگاه و نقش خود و ارائه شناخت و آگاهی به افراد جامعه در آن‌ها اعتماد به خود را ایجاد کند، در اجرای مأموریت‌ها و اهداف خود می‌تواند از ظرفیت مشارکتی جامعه بهره‌مند شود و این یعنی سرمایه اجتماعی، که مأموریت‌های آن سازمان را تسهیل می‌کند.





نظریه‌های تبیین ارتباط جرم و سرمایه اجتماعی

رابطه بین سرمایه اجتماعی و ناهنجاری‌های اجتماعی از حیث نظری و با دیدگاه‌های متعدد مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان، جرایم و انحرافات را به عنوان یکی از عوامل اصلی تهدیدکننده امنیت مورد بررسی قرار داده‌اند. از این رو، ره یافت سرمایه اجتماعی دیدگاه وسیع و بهتری را برای فهم عوامل جرم و تخلف ارائه می‌دهد. بدین جهت در تبیین تأثیر سرمایه اجتماعی پلیس بر امنیت اجتماعی باید بر منبعی از کنترل اجتماعی تأکید کرد. کنترل اجتماعی و پیوندهای اجتماعی از عناصر کلیدی سرمایه اجتماعی هستند. بر همین اساس، سه نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، محرومیت نسبی و کنترل اجتماعی که تبیین‌های مستحکمی دارند، بررسی می‌شوند:

تئوری بی‌سازمانی اجتماعی: استدلال اساسی تئوری بی‌سازمانی اجتماعی این است که جرم، نتیجه کاهش همبستگی اجتماعی است. زمانی که اجتماعات نابسامان می‌شوند، همسایه‌ها نسبت به نظارت و بازبینی خاطیان بالقوه بی‌میل می‌شوند و پیامد این بی‌میلی و عدم مسئولیت نسبت به رفتار دیگران، افزایش رفتارهای کج‌رو خواهد بود. در حقیقت در این دیدگاه کاهش سرمایه اجتماعی فردی و سازمانی به تضعیف همبستگی محلی می‌انجامد و بی‌سازمانی اجتماعی را در جامعه گسترش می‌دهد و زمینه برای بروز جرایم مهیا می‌شود.

بر طبق تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، سرمایه اجتماعی پایه و اساس آن چیزی است که گروه‌ها را نسبت به تحمیل هنجارها و در نتیجه نسبت به افزایش سطوح کنترل غیررسمی‌شان توانا می‌سازد. بنابراین اجتماعات سازمان نیافته تا حدودی از جرم و شرایط منفی دیگر رنج می‌برند، زیرا آنها قادر به انباشت سرمایه اجتماعی لازم نیستند.

تئوری محرومیت نسبی: جودیس بلاو و پیتر بلاو (۱۹۸۲) مطرح کرده‌اند که نابرابری‌های چشمگیر به این احساس می‌انجامد که ثروتمندان زیادی در این منظر وجود دارند، اما برای بسیاری از مردم ثروت‌ها در دسترس نیست و زندگی در فقر را در پیش گرفته‌اند. در نتیجه، ناخشنودی زیاد، سرخوردگی، ناامیدی و از خود بیگانگی به وجود می‌آید که احساس بی‌عدالتی، نارضایتی و بی‌اعتمادی را تولید می‌کنند. سطح بالای بی‌اعتمادی در میان اعضای جامعه، انسجام کم‌تر را در آن جامعه در پی خواهد داشت. ویلکینسون (۱۹۹۶) به یک سری شواهد کیفی و کمی گوناگون استناد کرده است که نشان می‌دهند جوامع دارای برابری (مساوات طلبی) زیاد، گرایش به انسجام بیشتری دارند.

تئوری کنترل اجتماعی: نظریه‌های کنترل فرض را بر این قرار می‌دهند که رفتار افراد،





رفتاری ضد اجتماعی خواهد بود و تمام افراد پتانسیلی برای زیر پا گذاشتن قانون دارند، مگر اینکه دیگران آنها را در جهت ترک آن هدایت کنند. تراویس هیرشی در تئوری خود با زیبایی تمام رابطه سرمایه اجتماعی و جرم را به تصویر کشیده است. او عنصر بسیار اساسی در کنترل اجتماعی را پیوند بین فرد و جامعه می‌داند و معتقد است که اگر این رابطه ضعیف باشد، فرد فشار کمتری را برای هم‌نوایی احساس می‌کند، اما اگر رابطه قوی باشد، فرد چیزهای زیادی را دارد که اگر کج روی کند آن‌ها را از دست خواهد داد، پس مجبور به هم‌نوایی می‌شود. الگوی هیرشی، پیدایش کج روی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌شمرد. در این الگو، هیرشی از یک سو خود را از این تحلیل دورکیم متأثر می‌بیند که مدعی است «کج روی یا خودکشی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است» اما از سوی دیگر، بر خلاف دورکیم و هم‌فکران او، انسان را به خودی خود، متکی و پایبند به اصول اخلاقی و مانند آن نمی‌داند. پس فرض را بر قطعی بودن تحقق کج روی در جامعه می‌گذارد و به ریشه‌یابی وقوع هم‌نوایی در جامعه می‌پردازد. هیرشی چهار عنصر زیر را به عنوان عناصر پیوند دهنده افراد به یک‌دیگر و جامعه و به تعبیر دیگر، چهار عنصر دل‌بستگی، تعهد، درگیری و اعتقاد را متغیرهای کنترل‌کننده رفتار معرفی می‌کند. پس کنترل اجتماعی یکی از کارکردهای سرمایه اجتماعی پلیس در ارتباط با امنیت است، زیرا نیروی جمعی بیرونی را برای تحمیل نظم به وجود می‌آورد و این همان چیزی است که گروه‌ها را نسبت به تحمیل هنجارها و در نتیجه نسبت به افزایش سطوح کنترل غیر رسمی‌شان توانا می‌سازد. بنابراین اجتماعات سازمان نیافته تا حدودی از جرم و شرایط منفی دیگر رنج می‌برند، زیرا قادر به انباشت سرمایه اجتماعی لازم نیستند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۳: ۴۳).

جمع‌بندی و ارائه مدل نظری

سرمایه اجتماعی یکی از عوامل اساسی تأثیرگذار در کاهش جرم و در نتیجه افزایش امنیت اجتماعی است. در بررسی جامعه‌شناسی کنش، می‌توان کنش‌گران را به دو دسته کنش‌گر فردی و جمعی تقسیم کرد (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۹). یک کنش‌گر اجتماعی در ترکیب با صفات، منابع و قواعد اجتماعی معنا می‌یابد. در حقیقت هر انسان به معنای کنش‌گر در برابر انسان‌های دیگر قرار دارد که آن‌ها نیز همان ترکیب (قواعد و منابع) را به همراه دارند و این همان چیزی است که در جامعه‌شناسی پارسونزی از آن به عنوان «نظام کنش» یاد می‌شود. پس می‌توان گفت ما با دو نوع کنش‌گر فردی (افراد) و



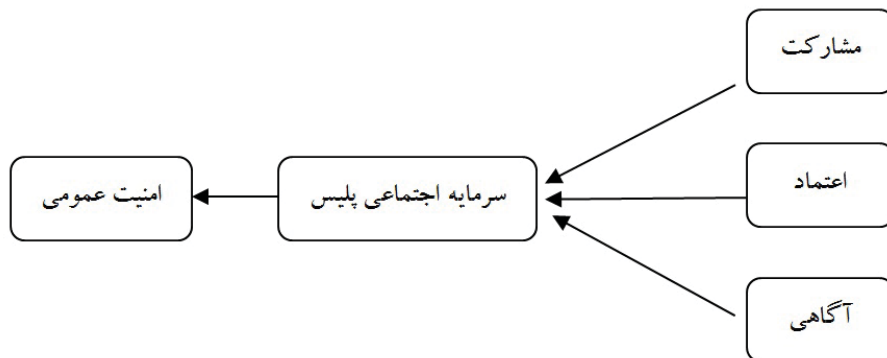


کنش گر جمعی (سازمان‌ها) روبه رو هستیم. این کنش گران چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، دارای سرمایه هستند. بورديو سرمایه (در هر شکلی) را مجموعه‌ای از روابط می‌داند؛ بنابراین هم کنش گر فردی و هم کنش گر جمعی به این روابط نیاز دارند. از نظر بورديو، سرمایه (مجموعه روابط) چیزی به غیر از قدرت نیست. بنابراین در دیدگاه بورديو، سرمایه (در همه ابعاد آن اعم از اقتصادی، اجتماعی و ...) قدرت و طبقه از یک وضعیت تبعیت می‌کند. از این رو برای بورديو، شکل، حجم و تغییر شکل سرمایه‌هاست که اهمیت پیدا می‌کنند. بنابراین سرمایه‌ها با توجه به شکل، حجم و ترکیب بندی خود، فضای اجتماعی را چندبعدی می‌کنند. حال اگر به کمک پارسونز قدرت را «توانایی تأثیرگذاری» تعریف کنیم، می‌توان گفت: سرمایه به تعبیر بورديو چیزی مثل قدرت است و از آن جا که ما می‌دانیم پلیس یک کنش گر جمعی است پس خواهیم دانست: کنش گران دارای سرمایه‌اند و سرمایه عبارت است از مجموعه‌ای از روابط که به کنش گران قدرت می‌دهد. پس کنش گران برای دستیابی به اهداف خود باید تأثیر گذار باشند و حرکت کنند. مهم‌ترین هدف پلیس به عنوان یک کنش گر جمعی، ایجاد امنیت اجتماعی است. پس سرمایه اجتماعی پلیس می‌تواند قدرت اساسی برای پلیس در جهت تأثیرگذاری و دست یافتن به اهداف این کنش گر جمعی باشد.

سرمایه اجتماعی پلیس به دو صورت بر امنیت اجتماعی تأثیر می‌گذارد: یکی اینکه هر قدر اعتماد و آگاهی مردم نسبت به پلیس و فعالیت‌های آن بیشتر باشد، زمینه مشارکت آن‌ها بالاتر می‌رود. اولین پیامد آن پوشش فقر اطلاعاتی احتمالی پلیس در زمینه آسیب‌های اجتماعی و جرایم مختلف است. این امر خود باعث کاهش انواع هزینه‌ها برای پلیس می‌شود. دیگر این که هر قدر سرمایه اجتماعی پلیس نزد مردم بالاتر رود، میزان کنترل اجتماعی درونی افزایش می‌یابد و از کنترل بیرونی پلیس کاسته می‌شود. این امر پلیس را به عنوان بخشی از مردم نه قسمتی از حکومت، که وظیفه آن ایجاد امنیت برای مردم است، معرفی می‌کند که در واقع، تحقق شعار پلیس جامعه محور خواهد بود. در این حالت با افزایش میزان اعتماد، سرعت عملکرد، بهبود وضعیت آماری و بهبود عملکرد در نزد پلیس برای مهار جرایم خواهیم داشت و نتیجه چنین امری افزایش امنیت اجتماعی است.



مدل تحقیق



فرضیات تحقیق

- ۱- بین سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان مشارکت مردم در فعالیتهای پلیس و امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان اعتماد مردم به پلیس و امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین میزان آگاهی مردم از فعالیتهای پلیس و امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین ابعاد سرمایه اجتماعی پلیس و ابعاد امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیر وابسته:

امنیت اجتماعی: امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزشهای کسب شده را مشخص و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزشها را معین می‌کند (بوزان، ۴۶، ۱۳۷۸). منظور از امنیت در این پژوهش همچنان که بوزان نیز اشاره دارد «فراغت از تهدید» است.

متغیرهای مستقل:

سرمایه اجتماعی پلیس: فوکویاما سرمایه اجتماعی را، شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیر رسمی تعریف می‌کند که باعث ترویج هم‌کاری بین دو یا چند نفر می‌شود (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۷۰). در این پژوهش سرمایه اجتماعی با سه شاخص اعتماد به پلیس، مشارکت با پلیس و آگاهی نسبت به پلیس به عنوان عناصر اصلی سرمایه اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است.

اعتماد به پلیس: اعتماد پلیس اشاره به پذیرش و هم‌سوئی مردم نسبت به کنش‌گران





سازمان پلیس دارد. این پذیرش شامل تمامی کنش‌گران عرصه امنیت می‌شود که به نحوی با سازمان پلیس در ارتباط‌اند.

مشارکت در فعالیت‌های پلیس: این متغیر اشاره به میزان هم‌کاری مردم با پلیس در انجام مأموریت‌های گوناگون دارد. این همکاری یکی از گام‌های اساسی در شناخت مردم نسبت به پلیس است.

آگاهی از فعالیت‌های پلیس: این متغیر اشاره به میزان شناخت مردم به عملکرد و فعالیت‌های پلیس دارد و به آگاهی‌های مردم نسبت به فعالیت‌های گوناگون پلیس مرتبط است.

۳- روش‌شناسی تحقیق:

در تحقیق حاضر، روش پژوهش از نوع همبستگی-توصیفی است، که اطلاعات مورد نیاز از طریق ابزار پرسش‌نامه استاندارد، که قبلاً روایی و پایایی آن سنجیده شده و مورد تأیید قرار گرفته است، جمع‌آوری شده و با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش، همه شهروندان بالای ۲۰ سال ساکن در منطقه مشتاق شهر کرمان است، که یک نمونه ۲۵۰ نفری با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شده است. در این پژوهش نمونه به صورت تصادفی، متناسب با حجم نمونه انتخاب شده است. به این صورت که پرسش‌نامه‌ها به صورت تصادفی بین شهروندان بالای ۲۰ سال، جهت تکمیل به آن‌ها ارائه گردید.

یافته‌های تحقیق

سیمای پاسخگویان

از کل حجم نمونه تحقیق (۲۵۰ نفر)، ۵۸/۸ درصد (۱۴۷ نفر) پاسخ‌گویان مرد و ۴۱/۲ درصد (۱۰۳ نفر) پاسخ‌گویان زن بوده‌اند. ۶۸/۴ درصد پاسخگویان مجرد و ۳۱/۶ آنها متأهل بوده‌اند. ۷۸ درصد پاسخگویان بین ۳۰-۲۱ سال سن، ۱۸/۴ آنها بین ۴۰-۳۱ سال سن، ۳/۲ آنها بین ۵۰-۴۱ سال سن و ۰/۴ آنها بیش از ۵۰ سال سن داشته‌اند. سطح تحصیلات ۱۸/۸ پاسخگویان دیپلم، ۱۴/۴ فوق دیپلم، ۳۸/۸ لیسانس و ۲۸ درصد آنها نیز فوق لیسانس بوده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

فرضیه اول: رابطه سرمایه اجتماعی پلیس با امنیت اجتماعی

بین سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت اجتماعی رابطه وجود ندارد.





بین سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. به منظور بررسی فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه سرمایه اجتماعی پلیس با امنیت اجتماعی رابطه دارد، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، که نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

جدول ۱: جدول ضریب همبستگی بین سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت اجتماعی

متغیر	امنیت اجتماعی	سطح معنی داری
سرمایه اجتماعی پلیس	-۰/۰۷۰	N. S

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، که بین سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت اجتماعی، رابطه منفی و غیر معنی داری وجود دارد؛ لذا فرضیه صفر تأیید و فرضیه رقیب رد می‌شود.

فرضیه دوم: رابطه بین مشارکت مردم با پلیس و امنیت اجتماعی

بین مشارکت مردم با پلیس و امنیت اجتماعی رابطه وجود ندارد. بین مشارکت مردم با پلیس و امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. به منظور بررسی فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه مشارکت مردم با پلیس با امنیت اجتماعی رابطه دارد، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- جدول ضریب همبستگی بین مشارکت مردم با پلیس و امنیت اجتماعی

متغیر	امنیت اجتماعی	سطح معنی داری
مشارکت مردم با پلیس	-۰/۰۵۰	N. S

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، که بین مشارکت مردم با پلیس و امنیت اجتماعی، رابطه منفی و غیر معنی داری وجود دارد، لذا فرضیه صفر تأیید و فرضیه رقیب رد می‌شود.



فرضیه سوم: رابطه بین میزان اعتماد مردم به پلیس و امنیت اجتماعی

بین اعتماد مردم به پلیس و امنیت اجتماعی رابطه وجود ندارد. بین اعتماد مردم به پلیس و امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. به منظور بررسی فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اینکه اعتماد مردم به پلیس با امنیت



اجتماعی رابطه دارد، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- جدول ضریب همبستگی بین اعتماد مردم به پلیس و امنیت اجتماعی

متغیر	امنیت اجتماعی	سطح معنی داری
اعتماد مردم به پلیس	-۰/۰۳۰	N. S

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، که بین اعتماد مردم به پلیس و امنیت اجتماعی، رابطه منفی و غیر معنی داری وجود دارد، لذا فرضیه صفر تأیید و فرضیه رقیب رد می‌شود.

فرضیه چهارم: رابطه بین آگاهی مردم از فعالیت‌های پلیس و امنیت اجتماعی

بین آگاهی از فعالیت‌های پلیس و امنیت اجتماعی رابطه وجود ندارد.

بین آگاهی از فعالیت‌های پلیس و امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

به منظور بررسی فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر اینکه آگاهی از فعالیت‌های پلیس با امنیت اجتماعی رابطه دارد، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴- جدول ضریب همبستگی بین آگاهی از فعالیت‌های پلیس و امنیت اجتماعی

متغیر	امنیت اجتماعی	سطح معنی داری
آگاهی از فعالیت‌های پلیس	-۰/۰۸۳	N. S

نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، که بین آگاهی از فعالیت‌های پلیس و امنیت اجتماعی، رابطه منفی و غیر معنی داری وجود دارد، لذا فرضیه صفر تأیید و فرضیه رقیب رد می‌شود.

فرضیه پنجم: رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی پلیس و ابعاد امنیت اجتماعی

بین ابعاد سرمایه اجتماعی پلیس و ابعاد امنیت اجتماعی رابطه وجود ندارد.

بین ابعاد سرمایه اجتماعی پلیس و ابعاد امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

به منظور بررسی فرضیه پنجم پژوهش مبنی بر اینکه ابعاد سرمایه اجتماعی پلیس با ابعاد امنیت اجتماعی رابطه دارد، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، که نتایج آن در جدول ۵ آمده است.





جدول ۵ - جدول ضریب همبستگی بین ابعاد سرمایه اجتماعی پلیس و ابعاد امنیت اجتماعی

متغیرها	اعتماد به فعالیت‌های پلیس	مشارکت با پلیس	آگاهی از فعالیت‌های پلیس	امنیت اجتماعی	عملکرد پلیس	قوانین حکومتی
اعتماد به فعالیت‌های پلیس	۱					
مشارکت با پلیس	۰/۶۷**	۱				
آگاهی از فعالیت‌های پلیس	۰/۵۵**	۰/۵۸**	۱			
امنیت اجتماعی	-۰/۱۷	-۰/۰۶۹	-۰/۱۲	۱		
عملکرد پلیس	-۰/۰۹	-۰/۰۷۵	-۰/۱۰	۰/۵۰۷**	۱	
قوانین حکومتی	-۰/۱۱	-۰/۰۴۰	-۰/۰۷	۰/۶۱۹**	۰/۷۶۱**	۱

$< .01^{**}P$

نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، که بین مشارکت مردم با پلیس با اعتماد مردم به پلیس رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد، بین آگاهی از فعالیت‌های پلیس با اعتماد به پلیس و مشارکت مردم با پلیس رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و همچنین بین امنیت اجتماعی و ابعاد سرمایه اجتماعی منفی و غیر معنی داری وجود دارد. بین عملکرد پلیس و ابعاد سرمایه اجتماعی رابطه منفی و غیر معنی دار، اما با امنیت اجتماعی رابطه مثبت و معنی داری دیده شد. همچنین بین قوانین حکومتی و ابعاد سرمایه اجتماعی رابطه منفی و غیر معنی دار، اما با امنیت اجتماعی و عملکرد پلیس رابطه مثبت و معنی داری دیده شد.



۵- بحث و نتیجه گیری

شواهد تجربی در جامعه ایران نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی در وضعیت چندان مطلوبی قرار ندارد. در این میان، سرمایه اجتماعی در تأمین امنیت اجتماعی، چه از جهت



جلوگیری از بروز ناهنجاری‌ها و انواع جرایم اجتماعی و بالطبع در کنار آن از جهت زمینه سازی مشارکت مثبت و فعال فرد در زندگی اجتماعی، از طریق تأثیرگذاری ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نقش تعیین کننده و مهمی دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان سرمایه اجتماعی پلیس و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی انجام گردید.

همان طور که ملاحظه شد، میزان همبستگی بین سرمایه اجتماعی پلیس با امنیت اجتماعی برابر با ۰/۷۰ - است. میزان همبستگی بین مشارکت مردم با پلیس و امنیت اجتماعی برابر با ۰/۵۰ - است. میزان همبستگی بین اعتماد مردم به پلیس و امنیت اجتماعی برابر با ۰/۳۰ - است. همچنین میزان همبستگی آگاهی مردم از فعالیت‌های پلیس و امنیت اجتماعی برابر با ۰/۸۳ - می‌باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که رابطه منفی و غیر معنی داری بین ابعاد سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی وجود دارد. از میان ابعاد سرمایه اجتماعی، هر سه بعد اثر منفی بر امنیت اجتماعی داشته‌اند. یعنی در این منطقه از شهر بین سرمایه‌های اجتماعی پلیس و امنیت اجتماعی مردم رابطه معکوسی وجود دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین مشارکت مردم با پلیس و اعتماد مردم به پلیس رابطه مثبتی وجود دارد. این دو بعد تقویت کننده یکدیگر به نظر می‌رسند، یعنی هر چقدر در این منطقه مشارکت مردم در فعالیت‌های پلیس افزایش یابد، اعتماد مردم به فعالیت‌های پلیس بیشتر خواهد شد و بالعکس. همچنین بین آگاهی از فعالیت‌های پلیس با اعتماد مردم به پلیس و مشارکت مردم با پلیس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی هر چقدر مردم بیشتر با پلیس در ارتباط باشند و از فعالیت‌های پلیس آگاهی بیشتری داشته باشند، مشارکت مردم و اعتماد مردم به پلیس افزایش می‌یابد. بنابراین افزایش قدرت سرمایه اجتماعی پلیس (قدرت نرم افزاری پلیس) می‌تواند قانون‌گرایی را در میان مردم افزایش دهد.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین عملکرد پلیس و ابعاد سرمایه اجتماعی رابطه منفی وجود دارد. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین علل این رابطه، عدم بازخورد فعالیت‌ها و عملکرد پلیس به مردم می‌باشد و اینکه مردم از عملکرد پلیس اطلاعات چندانی ندارند. بین قوانین حکومتی و ابعاد سرمایه اجتماعی نیز رابطه منفی و غیر معنی داری وجود دارد. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل این امر، عدم اطلاع بسیاری از مردم از قوانین حکومتی مرتبط می‌باشد.

پیشنهادات کاربردی

بر اساس یافته‌های پژوهش، سه رکن آگاهی و شناخت مردم نسبت به پلیس، اعتماد به





پلیس و مشارکت با پلیس به عنوان عناصر سرمایه اجتماعی پلیس در تسهیل مأموریت های سازمان و کاهش هزینه تعاملات آن با جامعه نقش اساسی دارد و این همان کارکرد سرمایه اجتماعی است. بر این اساس به نظر می رسد در شرایط حاضر، پلیس برای ارتقای سطح و میزان سرمایه اجتماعی خود باید راهکارها و راهبردهای زیر را مد نظر داشته باشد:

(۱) توسعه شناخت و آگاهی مردم منطقه نسبت به ساختار، مأموریت ها و وظایف پلیس در سطوح و ابعاد گوناگون از طریق:

- توسعه آموزش های همگانی و مستمر در جهت افزایش سطح آگاهی مردم؛
 - بهره گیری از ظرفیت های رسانه های جمعی (ساخت فیلم های سینمایی، سریال ها، انیمیشن و ...)؛
 - بهره گیری از نهادهای آموزشی و دولتی در نقش متولیان امر آگاهی اجتماعی و فرهنگ سازان جامعه؛
 - برگزاری نمایشگاه ها و همایش ها در فواصل مختلف زمانی در سال؛
 - ایجاد و توسعه مراکزی در جهت ارائه مشاوره، راهنمایی و مددکاری در سطوح مختلف.
- (۲) جلب اعتماد عمومی به پلیس در سطوح مختلف از طریق:
- نهادینه سازی احترام به مردم و تکریم ارباب رجوع؛
 - عمل به وعده هایی که مسئولان به مردم می دهند، باعث بهبود سطح اعتماد در جامعه می شود؛
 - نیروی انتظامی با اجرای دقیق وظایف خود با بالا رفتن اعتماد مردم به پلیس کمک می کنند؛
 - توسعه توان ظرفیت پاسخگویی به انتظارات افراد جامعه توسط پلیس؛
 - ارتقای سطح مهارت های اجتماعی کارکنان در مواجهه با افکار عمومی.
- (۳) توسعه ظرفیت های مشارکت پذیر از طریق:
- استفاده از نهادهای آموزشی مانند مدارس و دانشگاه ها در جهت ترویج زمینه های ارتقای سطح مشارکت مردم با پلیس در جامعه؛
 - توسعه و تعمیق هم یاران پلیس (با دانش آموزان، بسیج و ...)؛
 - تشویق افراد و فراهم کردن امکان مشارکت و عضویت افراد در گروه های مختلف جامعه؛
 - تعامل با نخبگان و متخصصان رشته های مختلف مانند جامعه شناسی، روان شناسی، مردم شناسی و ... در جهت بهبود سطح مشارکت مردم با پلیس؛





منابع:

- اکبری، محمد، (۱۳۸۳). نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- بیات، بهرام، (۱۳۸۹). تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت اجتماعی (میزان بروز جرایم)، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پاتنام، روبرت، (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار). ترجمه محمد تقی دلفروز، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- خلیلی، رضا، (۱۳۸۱). مهاجرت نخبگان، پدیده‌ای اجتماعی یا موضوع امنیت ملی، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره دوم.
- چلبی، مسعود و محمد مبارکی، (۱۳۸۴). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال ششم، شماره ۲.
- چلبی، مسعود، (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
- ریتزر، جورج، (۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ ششم، تهران، انتشارات علمی.
- شارع پور، محمود، (۱۳۸۰). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله، (۱۳۷۳). آسیب‌شناسی اجتماعی، واحد آموزش جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، شاخه علوم اجتماعی، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- غفاری، غلام‌رضا، (۱۳۸۲). سنجش سرمایه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی تهران، خلاصه مقالات نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی.
- غفاری، غلام‌رضا، (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، مطالعه موردی شهر گنبد کاووس، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دور اول، شماره اول.
- فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی، ترجمه غلام‌رضا غفاری و حسین رضائی، تهران، انتشارات کویر.
- فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹). پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام عباس توسلی، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.
- کلمن، جیمز، (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول،



تهران، نشر نی.

- مبارکی، محمد، (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

- نجیبی، مریم، (۱۳۸۵). بررسی عوامل موثر بر امنیت اجتماعی با تأکید بر سرمایه اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

P(1995). Forms of capital and J. and Roma H. K. Gerhards - Anheier .social structure in cultural fields: examining bourdieu's social topography vol. 100 American Journal of sociology

L. J. D (1992). An invitation to reflexive sociology. D. Wacquant - Bourdieu Chicago: university of Chicago press.

in Handbook of Theory and, The Forms of Capital, Pierre (1986),- Bourdieu edited by John G., Research for the Sociology of Education

American J (1988). Social capital in the creation of human capital - Coleman Journal of sociology.

K. lochner and D. prothrowstith (1997). Social , I. B. P. Kennedy.- Kawachi American Journal of public health. , income inequality and mortality. capital

R (2000). Bowling a lone: the collapse and revival of American - Putnam new york., community

Bowling Alone: America's Declining Social, Robert D. (1995),- Putnam

S. S (2005). Don't put my name on it: social capital activation and - Smith American Journal of job-finding assistance among the black urban poor sociology.

Sampson R. J and W. B. graves (1989). Community structure and crime: American Journal of sociology., testing social disorganization theory

.Wilkinson R. G (1996). Unhealthy societies: the afflictions of inequality London., Routledge